

The cultural functions of the Waqf institution in creating a new Islamic civilization with an emphasis on the thought of the Supreme Leader

Ali Mehrabi Koushki*
Marzieh Sharifi**

Abstract

The creation of a new Islamic civilization is one of the theories that have been strongly proposed by Islamic thinkers in the last few decades, and this issue is also researched and investigated in elite circles. One of the institutions that, due to its special characteristics, has been able to play a significant role in civilization development throughout history, is the Waqf institution, which the overview of religious civilizations expresses this claim. How to build the cultural capacity of the Waqf institution in the creation and expansion of the new Islamic civilization is the main subject of this research which was written based on the thought of the Supreme Leader as the main theoretician of modern Islamic civilization. The research method in this article is a descriptive library review and its results state that if Waqifs and Waqf officials are familiar with the capabilities of modern Islamic civilization, they can target Moqfat to achieve this goal and be effective in this direction.

Key words: Waqf, Islam, Modern Islamic civilization, Moqfat, Supreme Leader position.

* Senior expert and third level of Qom seminary
alimehrabi@gmail.com

** Senior expert in the history of Islamic culture and civilization
msharifi.flj@gmail.com



اثر الفعاليات الثقافية لمؤسسة الوقف في خلق حضارة إسلامية جديدة مع التركيز على فكر المرشد الأعلى

على مهرابي كوشكى*
مرضيه شريفى**

الخلاصة

الخلاصة

إحدى النظريات التي طرحها المفكرون الإسلاميون بقوة في العقود القليلة الماضية هي إنشاء حضارة إسلامية جديدة، حيث انه يتم بحث هذا الموضوع و التحقيق فيه في محافل النخبة المثقفة

ومن المؤسسات التي استطاعت أن تلعب دوراً هاماً في التطور الحضاري لما تتمتع به من خصائص خاصة هي مؤسسة الوقف، وهو ما ورد في لمحة عن الحضارات الدينية إن كيفية بناء القدرة الثقافية لمؤسسة الوقف في خلق و توسيع الحضارة الإسلامية الجديدة هو الموضوع الرئيسي لهذا البحث الذي كتب بناءً على فكر المرشد الأعلى باعتباره المنظر الرئيسي للحضارة الإسلامية الجديدة. منهج البحث في هذا المقال هو الدراسة المكتبية الوصفية، و تشير نتائجه إلى أنه إذا كان الأوقاف و مسؤولو الوقف على دراية بقدرات الحضارة الإسلامية الحديثة، فيمكنهم التركيز على الأوقاف لتحقيق هذا الهدف و يكونوا فعالين في هذا الاتجاه

الكلمات المفتاحية: الوقف، الإسلام، الحضارة الإسلامية الحديثة، الأوقاف، المرشد الأعلى

*ماجستير والمستوى الثالث من حوزة قم

.alimehrabi@gmail.com

**ماجستير في تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية

msharifi.flj@gmail.com

کارکردهای فرهنگی نهاد وقف در ایجاد تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری



علی مهرابی کوشکی*
مرضیه شریفی**

مقاله پژوهشی

چکیده

ایجاد تمدن نوین اسلامی، از نظریه‌هایی است که در چند دهه اخیر به شدت از طرف اندیشمندان اسلامی مطرح می‌شود و در محافل نخبگانی نیز این موضوع مورد پژوهش و بررسی قرار می‌گیرد و یکی از نهادهایی که به دلیل ویژگی‌های خاص خود توانسته است در طول تاریخ در تمدن‌سازی نقش بسزایی ایجاد نماید، نهاد وقف است که بررسی اجمالی تمدن‌های دینی بیان‌کننده این ادعاست.

چگونگی ظرفیت‌سازی فرهنگی نهاد وقف در ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی، موضوع اصلی این پژوهش است که با تکیه به اندیشه مقام معظم رهبری به‌عنوان اصلی‌ترین نظریه‌پرداز تمدن نوین اسلامی به قلم تحریر درآمده است. روش پژوهش در این مقاله بررسی کتابخانه‌ای توصیفی است و نتایج آن بیان می‌کند که چنانچه واقفان و مسئولین وقف با ظرفیت‌های تمدن نوین اسلامی آشنا باشند می‌توانند جهت نیل به این مقصود موقوفات را هدفمند نمایند و در این مسیر تأثیرگذار باشند.

واژگان کلیدی: وقف، اسلام، تمدن نوین اسلامی، موقوفات، مقام معظم رهبری

۱. کارشناس ارشد و سطح سه حوزه علمیه قم

alimehrabi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

msharifi.flj@gmail.com



مقدمه

بیشترین وجهی که در طول تاریخ تمدن اسلامی از نهاد وقف بیان شده است، وجهه فرهنگی نهاد وقف است تا جایی که در اکثر موارد از این نهاد به فرهنگ وقف اشاره شده است. اگر درصدی برای وجوه نهاد وقف در نظر بگیریم می‌توان گفت بیش از ۷۰ درصد وجهه این نهاد مربوط به فرهنگ است؛ چراکه بیشترین موقوفات بر بستر فرهنگ استوار است که نمونه بارز آن فرهنگ زیارت و حماسه و پاسداشت قیام عاشورا است که بارزترین و آشکارترین وجهه امروزه وقف در ایران اسلامی است. از این رو می‌توان برای وجوه فرهنگی وقف نیز برنامه‌ریزی کرد و با توجه به نیاز تمدنی از آن استفاده نمود.

۱. نقش نهاد وقف در ترویج دین و شعائر مذهبی

آداب و رسوم دینی و اخلاقیات و ارزش‌های معنوی را یکی از عوامل مؤثر ایجاد تمدن می‌باشد. به اعتقاد ابن‌خلدون دین باعث اتحاد و همدلی و تساوی طبیی مردم می‌شود (ابن‌خلدون، ۱۳۶۲، ج ۱: ۶۵۶) آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که پایه اصلی تمدن اسلامی، مکتب اسلام است که با تکیه بر علم و دانش و حمایت از اندیشمندان و متفکران به شکوه و عظمت دست‌یافت. ایشان می‌فرمایند «با پیدایش تمدن اسلامی، همه‌چیز اروپا در مقابل آن رنگ باخت زیرا جوهره این تمدن بزرگ از اسلام بود. تمدن اسلامی با به کار گرفتن علم، کشف حقایق درجه‌یک عالم وجود و استخدام اندیشه‌ها، ذهن‌ها و فعالیت‌های عظیم علمی توانست دانشگاه‌های بزرگ را در مقیاس جهانی ایجاد کند و ده‌ها کشور ثروتمند و مقتدر و یک قدرت سیاسی بی‌نظیر را در طول تاریخ پدید آورد»^۱. همان‌طوری که دیده می‌شود در افق دیدگاه ایشان در ورای ایجاد تمدن اسلامی و گسترش علم و دانش قرون اولیه اسلامی وجود مکتب اسلام به‌عنوان مبانی ایجاد تمدن نوین اسلامی است. پس مبانی اصول و موضوعات بنیادینی هستند که در شکل دادن به ارزش‌ها و ایجاد آنها در زندگی و دخیل دانستن آنها در ایجاد تمدن نقش اساسی دارند. بنابراین می‌توان گفت مبانی دین اسلام که به‌مثابه نوعی جهان‌بینی و جهان‌نگری سازنده و به وجود آورنده ایدئولوژی‌ها و باید و نبایدهایی که عمل به آنها حرکت در مسیر به‌سوی تکامل و رشد و توسعه و در نتیجه ایجاد تمدن نوین اسلامی و حفظ و نگهداری آن است؛

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۹ در دیدار فرماندهان سپاه

دارای اهمیت ژرف می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت شناخت مبانی اسلام مثل توحیدگرایی، جاودانه‌گرایی، عدالت‌محوری، عقل‌گرایی و... که به‌نوعی شناخت جهان‌بینی که قرار است تمدن نوین اسلامی بر آن شکل بگیرد دارای اهمیت است و نقش نهاد وقف در این زمینه را می‌توان چشمگیر دانست.

یکی دیگر از الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی، آشنایی با سیره پیامبر و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. آشنایی با دستورات پیامبر و مفاهیم دین و گسترش آن در جامعه اسلامی بدون شک مترتب به نتایج مثبتی می‌باشد که در چشم‌انداز ایجاد تمدن نوین اسلامی قابل‌توجه است. آیت‌الله خامنه‌ای در این رابطه بیان می‌کنند: «دنیایی که با تعلیمات ارزشمند پیامبران الهی و با آیات نورانی خدای متعال، برای بشر آراسته و منور شده است، دنیای شایسته انسان است. دنیایی که در آن، هم آبادی و رفاه و پیشرفت علمی و پیشرفت صنعتی هست و هم اقتدار سیاسی و تعالی معنوی وجود دارد. دنیایی که در آن، انسان‌ها کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت و اطمینان می‌کنند و انسانیت در آن شکوفاست؛ چیزی که در دنیای ساخته تمدن مادی وجود ندارد؛ چون در دنیای مادی‌گری، انسان‌ها مثل گرگ‌ها باید از هم بترسند. ملت ایران مصمم است که چنین دنیایی را هم از جنبه مادی و هم از جنبه معنوی، برای خود به وجود آورد و بسازد».^۱

۱-۱ نقش نهاد وقف برای ترویج فرهنگ قرآنی

برای تحقق تمدن نوین اسلامی، بهره‌گیری از قرآن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع فکری و معرفتی مسلمانان دارای اهمیت می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت اولین گام در ترویج آموزه‌های دینی در جامعه اسلامی و به‌تبع آشنا شدن جامعه مسلمانان با آموزه‌ها و مضامین تمدنی دین اسلام، ترویج فرهنگ دینی، قرآنی است. متأسفانه در نیات واقفان در ایران اسلامی کمتر از پنج درصد موقوفات برای ترویج فرهنگ قرآنی ثبت شده است.^۲ به نظر می‌رسد آگاه‌سازی جامعه برای اهداف قرآنی می‌تواند گسترش موقوفات قرآنی را به همراه داشته باشد. برنامه‌ریزی مناسب و هدفمند از سوی متولیان امر جهت بهره‌مندی بهینه جامعه اسلامی از موقوفات قرآنی، می‌تواند در ترویج فرهنگ قرآنی به‌شدت تأثیرگذار باشد.

برگزاری جلسات تفسیر قرآن کریم با توجه به مسائل روز جامعه از جمله برنامه‌هایی

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۳ در سخنرانی نیروهای حاضر در مانور طریق‌القدس
۲. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید: <https://fars.iqna.ir/fa/news/۲۴۸۳۱۳۸/>



است که موقوفات قرآنی می‌توانند در آن پیش‌قدم باشند و زمینه را برای فهم دینی جامعه از شرایط روز فراهم آورند. یکی از مسائل روز جهان اسلام، ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی می‌باشد، به‌ویژه آنکه برای ایجاد تمدن نوین اسلامی‌ای که مدنظر مقام معظم رهبری است، قرآن جایگاه والایی دارد. ایشان یکی از شاخصه‌های اصلی این تمدن را «قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخ‌گویی به نیازهای نو به نوبی بشر» می‌دانند. استفاده از مفاهیم قرآنی می‌تواند در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و تمدنی که نیاز بشریت است نقش داشته باشد، چنانچه مقام رهبری می‌فرماید: «در همه زمان‌ها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوه استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، می‌توانند سخن روز را از معارف بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه رهنما و راهگشا برای بشریت»^۱

۲-۱ کارکردهای فرهنگی نهاد وقف در گسترش مراکز فرهنگی مذهبی در ایجاد تمدن نوین اسلامی

نهاد وقف با پشتیبانی از مراکز فرهنگی و دینی که به مردم نزدیک هستند و با ایجاد ابزارهای جدید تبلیغ مفاهیم اسلام، در مهیاکردن مردم برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی می‌تواند نقش بزرگی داشته باشد

ازجمله این مراکز فرهنگی و مذهبی می‌توان به مساجد و حوزه علمیه اشاره کرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱. نقش نهاد وقف در گسترش مساجد در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی

مساجد از ابتدای تاریخ اسلام تاکنون همواره به‌عنوان پایگاه مهم و اصلی تمدن اسلامی به شمار می‌رفته است به‌گونه‌ای که حضرت محمد (ص)؛ در اولین اقدام خود پس از هجرت از مکه، احداث مسجد برای مناسک سیاسی اجتماعی بود و لزوم این امر از همان دوران آغازین تاکنون همواره موردتوجه بوده است. (قائدان: ۱۳۸۴: ۲۵۰)

کارکرد مساجد جامع در شهرها و روستاهای مختلف در طول تاریخ اسلام همواره به‌عنوان مهم‌ترین پایگاه عبادی و سیاسی اجتماعی شهر موردتوجه بوده است چنانچه این مساجد نه تنها مکان عبادت بوده، بلکه محل تجمع مردم و حتی سپاهیان و محل

۱. بیانات رهبری در ۱۳۷۹/۷/۱۷ در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه

وعظ و خطابه و تدریس نیز بوده است و تقریباً تا دوران قاجار نیز کارکردهای خود را دارا بوده و برای پایداری این مساجد با استفاده از نهاد وقف، بازار و حمام و غیره ایجاد می‌شده و عایدات آن را صرف تجهیز و توسعه و خدمات اجتماعی فرهنگی که در مسجد صورت می‌گرفت قرار می‌دادند.

در شهرهای اسلامی، مسجد قلب تپنده شهر محسوب می‌شد به‌گونه‌ای که در طراحی شهرهای اسلامی که غالباً به‌صورت مدور بود، مرکز شهر را محل احداث مسجد جامع شهر در نظر می‌گرفتند و در اطراف آن بازارها را طراحی می‌کردند که کانون تجارت مردمان بود و در مجاورت آن محلات و خانه‌ها را ایجاد می‌کردند چنانچه در احداث شهر بصره و کوفه چنین عمل شد. (ایزدی: ۱۳۷۹: ۷۸) فقط در ایران اسلامی تاکنون بیش از هفتاد هزار مسجد ساخته‌شده که اکثر آنها یا خود وقف هستند و یا دارای موقوفات می‌باشند. (محمدی: ۱۳۹۶: ۱۵). رهبری نیز در اهمیت مسجد و نقش آن در فرازی از صحبت‌های خود می‌فرماید «مسجد اهمیت دارد، پایگاه است؛ همچنان که معروف شده در زبان‌ها واقعاً پایگاه است. نه فقط پایگاه برای فلان مسئله اجتماعی، [بلکه] مسجد می‌تواند پایگاه همه کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد؛ و هَلُمَّ جَرًا. مسجد یک چنین جایگاهی است و به همین ترتیب».^۱

همان‌طوری که مشاهده می‌شود رهبری مسجد را به‌عنوان پایگاه معرفی می‌کند البته نه فقط پایگاهی جهت حرکت‌های اجتماعی بلکه پایگاهی جهت زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی از طریق خودسازی و تعمیر دل و افزایش آگاهی مردم در واقع راه تعمیر دنیا و زمینه‌سازی جهت تمدن اسلامی را از طریق خودسازی و تعمیر دل که در پایگاهی مثل مسجد امکان‌پذیر است می‌دانند.

می‌توان گفت، کارکرد اصلی مساجد علاوه بر برگزاری نماز جماعت، برگزاری جلسات وعظ و خطابه برای آشنایی مردم به علوم اسلامی و معارف اهل‌بیت (ع)؛ برگزاری جلسات قرآن برای انس بیشتر مردم با قرآن و در برخی مساجد ایجاد پایگاه بسیج و فعالیت‌های اجتماعی را شاهد هستیم. این موارد می‌تواند الگوی مناسبی برای بهره‌مندی حداکثری از جایگاه مسجد در ایجاد تمدن نوین اسلامی ارائه کند

۱. بیانات رهبری در دیدار با ائمه جماعات مساجد تهران در تاریخ ۱۳۹۵/۰۵/۳۱



۲-۱-۲ وقف برای تأسیس و پایداری حوزه‌های علمیه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی

یکی از مهم‌ترین لازمه‌های تمدن اسلامی، ایجاد و پایداری حوزه‌های علمیه برای گسترش علوم دینی در جامعه و پرورش مبلغین اسلامی است. خوشبختانه این امر از آغازین سده‌های اسلامی تاکنون به شدت مورد توجه حکومت و مردم بوده است به گونه‌ای که نه تنها مدارس علمیه گسترده‌ای در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی احداث گردید؛ بلکه با استفاده از نهاد وقف و ایجاد موقوفه‌های متعدد سعی بر پایداری این مکان‌های علمی در طول تاریخ بوده است به سانی که برای پایداری هر کدام از این مدارس، بازارها و کاروان‌سراهایی را وقف کرده‌اند تا از عواید آن، هزینه نگهداری مدرسه و همچنین معاش اساتید و طلاب و برگزاری مراسم‌های دینی مختلف در طول سال تأمین گردد. در این رابطه، رهبری نقش ویژه‌ای را برای حوزه علمیه و حوزه روحانیت در جهت مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی قائل هستند، ایشان می‌فرمایند: «حوزه علمیه و حوزه روحانیت - که می‌خواهید بنای شامخ تمدن اسلامی را بالا ببرید و استوار کنید؛ چراغ هدایت اسلام را در مناره بلند نظام اسلامی به درخشش درآورید و انسان‌ها را هدایت کنید - یعنی کاری که همه پیغمبران برای آن آمدند - و آنها را به صراط مستقیم الهی و جاده اصلی الهی - سیل اعظم و صراط اقوم - نزدیک کنید. حوزه با این چالش‌ها مواجه است؛ با این هدف حرکت می‌کند. حال شما ببینید حوزه علمیه چگونه باید باشد و چه کار باید بکند؟ واجبات این حوزه چیست؟ اگر هیچ چیز هم بنده به عنوان آنچه که تصور می‌کنم برای حوزه‌ها لازم است، عرض نکنم، این موقعیت حساس که تبیین شد، این هدف بلند که ترسیم شد، این معارضه‌ها و چالش‌هایی که در پیش روی نظام اسلامی^۱ ایشان همچنین نقش ویژه‌ای برای عالمان دینی در ایجاد تمدن نوین اسلامی قائل هستند و نقش آنها را یگانه منحصربه‌فرد می‌دانند، فرازی می‌فرمایند: «نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصربه‌فرد است. مدیران جامعه هم برای این که بتوانند درست نقش‌آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین‌طور. محیط‌های گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین‌طور. برقی از سخن یک عالم دین پارسا و زمان‌شناس ممکن است بجهت، ظلماتی را از دلی یا دل‌هایی بزدايد؛ چقدر هدایت‌ها به این ترتیب اتفاق افتاده است. این نقش، نقش یگانه است. نقش‌آفرینی را به علمای

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴ در دیدار با اساتید، فضلا، طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه

دین منحصر نمی‌کنیم؛ اما جایگاه نقش‌آفرینی علمای دین را از همه جایگاه‌های دیگر برجسته‌تر می‌بینیم؛ به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه دینی و ایمان دینی برای انسان‌ها لازم است؛ تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد!^۱

همچنین در فرازی به مسئولین حوزه توصیه به تحقیق و کمک به رشد فقه می‌نمایند که نشان از اهمیت این بخش از تمدن نوین اسلامی دارد: «از شورای محترم مدیریت حوزه علمیه قم می‌خواهم تا با اطلاع و مساعدت مراجع بزرگوار و محترم و با همکاری و مشارکت اساتید و محققین برجسته حوزه»، برای بالندگی بیشتر فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و سایر موضوعات تحقیق و تألیف دینی، و نیز فعال کردن «نهضت پاسخ به سؤالات نظری و عملی جامعه»، تدارک چنین فرصتی را ببینند»^۲.

علاوه بر عالمان دینی در حوزه، نقش طلبه‌هایی که در حوزه تدریس می‌کنند نیز از دیدگاه رهبری در ایجاد تمدن اسلامی، قابل توجه است. ایشان در بیاناتی اظهار می‌کنند، «طلبه جوان وقتی که وارد حوزه علمیه می‌شود و درس حوزه را می‌خواند و برنامه حوزه را عمل می‌کند، چشمش به این است که بتواند در این حرکت عظیم مردمی نقش بیافریند؛ نه لزوماً نقشی همانند نقش امام؛ نقش‌های آگاهی‌بخش و هدایت‌کننده مثل نقش پیامبران»^۳. ایشان معتقدند، آن قدر آدم سازی و پرورش انسان‌های والا و باایمان مهم است که اگر یک روحانی همت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسان مناسب و استوار را بسازد، کار بزرگی را انجام داده است.^۴ همچنین، ایشان اولین شرط کسی که می‌خواهد در ایجاد تمدن نوین اسلامی حرکت کند، این می‌دانند که «بداند با چه کمین‌ها و موانعی روبه‌رو خواهد شد؛ خودش را آماده کند. «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس» عالم به زمان کسی است که بداند در کجای دنیا زندگی می‌کند؛ صف‌بندی‌های مقابل او چیست؛ انگیزه‌های مخالفت با او کدام است؛ طرح‌هایی که این انگیزه‌ها به وسیله آنها تحقق پیدا می‌کند، چیست؟ این عالم به زمان است. البته این مخالفت‌ها و این دشمنی‌ها هرگز دشمنی با شخص نیست؛ اما شخص باید بداند کجا قرار دارد و نظام او و راه او و اهداف او با چه چیزی مواجه است»^۵ با مشاهده سخنان

۱. همان

۲. جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه بیانات رهبری در ۱۶/۱۱/۱۳۸۱ پاسخ به نامه

۳. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴ در دیدار با اساتید، فضلا، طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه

۴. همان

۵. همان





ایشان می‌توان به اهمیت جایگاه حوزه و علما و طلبه‌های دین پی برد. قابل‌ذکر است، هرچند در مسیر وقف، مدارس حکومتی برای ترویج مذهب خود دست به احداث و وقف این حوزه‌ها علمیه می‌زدند همچون خواجه نظام‌الملک طوسی که مدارس نظامیه را برای ترویج مذهب شافعی ایجاد کرد (کسای: ۱۳۷۴: ۱۳) و یا حکومت صفوی که مدارس علمیه متعددی را برای ترویج مذهب شیعه اثنی‌عشری ایجاد نمود (احمدی: ۱۳۸۴: ۵۰) ولی باز نیز وجود همین مدارس توانست شاکله تمدن اسلامی را حفظ و توسعه بخشد و به نظر می‌رسد در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی، سازمان‌دهی همین الگو و بهره‌مندی از کارکرد وقف در ایجاد و پایداری این مدارس دینی به‌شدت باید موردتوجه قرار گیرد.

۲-۱-۳. کارکردهای فرهنگی نهاد وقف در گسترش فرهنگ جهاد و شهادت در ایجاد تمدن نوین اسلامی

مهم‌ترین کارکرد فرهنگی وقف در تمدن اسلامی و بخصوص در جوامع شیعی مانند ایران، ترویج فرهنگ جهاد و شهادت بوده است.

موقوفاتی که پیرامون زیارت عتبات‌عالیات و بخصوص کربلای معلی بوده و همچنین موقوفاتی که برای برپائی روضه و تعظیم قیام عاشورا بوده است بالاترین درصد موقوفات در تمدن اسلامی را شامل است و امروزه نیز بیش از هفتاد درصد موقوفات را همین نیت دربرگرفته که خود بر ارزش والای این نوع فرهنگ در تمدن اسلامی اشاره دارد.

در طول تاریخ اسلام سیره پیامبر و مکتب اهل‌بیت موقوفات زیادی صورت‌گرفته است به‌خصوص در مورد اقامه فرهنگ عاشورا و عزاداری حضرت سیدالشهدا و دیگر اهل‌بیت ع؛ موقوفات زیادی صورت پذیرفته است به‌گونه‌ای که بیشترین درصد موقوفات در ایران اسلامی مربوط به همین مقوله است. این در حالی است که آیت‌الله خامنه‌ای نیز به ترویج شعائر دین و مذهب توصیه نموده‌اند، ایشان در مورد اهمیت مراسم اربعین می‌فرمایند: «این مراسم (راه‌پیمایی اربعین) را هر چه می‌توانید و هر چه می‌توانیم، باید پُربارتر و معنوی‌تر کنیم؛ معنا و مضمون این مراسم را باید روزبه‌روز بیشتر کنیم؛ اهل فکر، اهل فرهنگ، اهل اقدام فرهنگی و فکری، برای این حرکت عظیم بنشینند برنامه‌ریزی کنند»^۱. ایشان مراسم اربعین را یکی از ظرفیت‌های ملت‌های اسلامی جهت ایجاد تمدن عظیم نوین اسلامی می‌دانند.^۲

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۲۷ در دیدار با جمعی از موبک داران عراقی

۲. همان

زیارت امام حسین (ع)؛ و روضه‌خواهی علاوه بر پاداش اخروی خیرین باعث گسترش فرهنگ جهاد و شهادت و روحیه ظلم‌ستیزی در جوامع اسلامی می‌شود که نمونه آن را درگذشته در طول هشت سال دفاع مقدس شاهد بودیم و تبلور جهادی آن امروزه در مقاومت مدافعان حرم هویداست و تبلور حماسی و عینی آن را در پیاده‌روی اربعین به‌عنوان بزرگ‌ترین اجتماع بشری شاهدیم

بالتبع این‌گونه فرهنگ‌سازی ایثار و شهادت و مقاومت لازمه ایجاد تمدن نوین اسلامی است که بحمدالله هر روز شاهد گسترش روزافزون آن در جوامع مختلف هستیم.

۱۳۰۱-۲. جهادگرایی

می‌دانیم که یکی از رسالت‌های اصلی انبیا، مبارزه با ظلم و برقراری عدل در روابط جهانی و گسترش حق و حقیقت بوده، است

اسلام دین مبارزه، قیام و تلاش و جهاد مستمر و پیگیر است، تمام ابعاد زندگی انسان و جامعه پویا را در جهاد و مبارزه می‌بیند. کار و تلاش در عرصه هستی، حرکت به‌سوی رشد و توسعه کمال و شدن و تغییر و تحول انسان و ساختن تمدن و مدنیت، همه و همه آن‌گاه که با قصد و انگیزه الهی و متعالی و خیرخواهانه باشد جهاد است. قیام و جهاد در راه خدا یکی از عبادت‌های بزرگ و واجبات ارزشی دین اسلام است. جهاد از ریشه جهد یا جهد به معنای کوشش و تلاش یا سختی و مشقت و با توان و طاقت آمده است؛ بنابراین در اصل بدون معناست که مجاهد و قیام‌کننده هر آنچه را که در توان و طاقت دارد برای رسیدن به هدف خود به کار گیرد و با سختی‌ها و مشکلات دست‌وپنجه نرم کرده تا به هدف برسد. جهاد در چندمعنا کلی در اصطلاح آمده است: ۱) مبارزه برای قیام و تلاش طاقت‌فرسا در راه حق و رسیدن به هدف ۲) تلاش و کوشش در مقابله با خواسته‌های نفسانی ۳) ایثار جان و مال در راه اعتلای پایگاه اسلام و پایداری در راه اقامه شعائر دینی (نوری، ۱۳۷۵: ۲۱)؛ ۴) کارزار در راه خدا برای گسترش اسلام و فراخواندن امت‌ها و اقوام به این دین جهاد فضیلت‌ساز است؛ چون خود فضیلت است و ثمره آن سازندگی و رشد و تعالی معنوی و مادی فرد و جامعه در میدان انسانیت و ارزش‌ها، پرورش روح‌های پر از صلابت و شجاعت و وابسته به خدا و ایثارگر در راه او و ایجاد جامعه‌ای این‌چنینی.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز ضمن اینکه معتقدند تکوین تمدن‌ها یک امر تدریجی است. لازمه ایجاد یک تمدن را مجاهدت و تلاش پیوسته می‌دانند «همه پیشرفت‌ها، همه تمدن‌سازی‌ها به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای



رنج کشیدن نیست. جهاد شوق آفرین است، جهاد شادی و نشاط آفرین است»^۱ از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای ایجاد تمدن جدید اسلامی در عصر حاضر به نوعی جهادگرایی است و در این جهاد بزرگ حرکت‌ها هم باید جهادی باشد ایشان می‌فرمایند: «در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه یک تاریخ عقب‌ماندگی و استبداد و بی‌دینی و فقر و وابستگی حاکم بر کشورهایتان را در کوتاه‌ترین زمان‌ها ان شاء الله جبران کنید و چگونه با رویکرد اسلامی و به شیوه‌ای مردم‌سالارانه و رعایت عقلانیت و علم، جامعه‌سازی کنید و تهدیدهای داخلی و خارجی را یک‌به‌یک از سر بگذرانید؛ چگونه «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیسم»، و «برابری» منهای «مارکسیسم»، و «نظم» منهای «فاشیسم غرب» را نهادینه کنید؛ چگونه تقید خویش به شریعت مترقی اسلام را حفظ کنید، بی‌آنکه گرفتار جمود و تاجر شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی‌آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی‌آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید، بی‌آنکه سکولاریزه و محافظه‌کار شوید»^۲

از منظر دیدگاه رهبری نگاه اجتهادی داشتن در همه زمینه‌ها از لوازم ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌باشد. «نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است»^۳.

۲-۱-۳-۲. جهادگرایی در خدمت به مردم

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه رهبری مسئله خدمت به مردم است. «روحیه خدمت، که این گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است، اصلاً فلسفه وجود ما جز این نیست، ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند متن عبارت است از خدمت، نباید بگذاریم حواشی بر روی این متن اثر گذارد در زمینه خدمت کار را باید جهادی کرد، جهادی به معنای بی‌قانونی نیست. معتقدم در همان چهارچوب قانون دو جور می‌شود کارکرد، یک کار، کار مرسوم اداری، یک کار، کار جهادی، کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان‌ها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار این کار جهادی است، کار را باید جهدی انجام داد تا ان شاء الله خدمت خوبی انجام بگیرد»^۴

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ در دیدار جمعی از مداحان
 ۲. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ خطبه‌های نماز جمعه تهران، ترجمه خطبه عربی
 ۳. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۹ در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی
 ۴. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۶ دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت

۴-۱-۲. کارکردهای فرهنگی نهاد وقف در گسترش فرهنگ سبک زندگی اسلامی در ایجاد تمدن نوین اسلامی

شیوه زندگی قشرها، طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف را در جامعه سبک زندگی می‌نامند. سبک زندگی اسلامی، کارهای روزمره، عادات لباس پوشیدن، خوردن، شیوه روبه‌رو شدن با دیگران، گذراندن اوقات فراغت و به‌طور کلی چگونگی انتخاب‌های افراد را در برمی‌گیرد. همچنین در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب‌وکار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف اشاره شده است. در واقع، سبک زندگی به همه مسائلی که متن زندگی انسان را شکل می‌دهند گفته می‌شود. در معارف اسلامی «عقل معاش» در مفهوم جامع خود، مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد. رهبری نیز در سخنرانی در این مورد می‌فرماید: «اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است»

تمدن نوین اسلامی - آن چیزی که ما می‌خواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل می‌شود؛ این‌ها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش^۱ همان‌طوری که مشاهده می‌شود ایشان بخش حقیقی تمدن نوین اسلامی را سبک زندگی می‌دانند.

امروزه مبحث سبک زندگی اسلامی با توجه به تبلیغ روزافزون سبک زندگی غربی، به‌شدت نیاز به حمایت و تبلیغ از سوی دستگاه حکومت دینی و جامعه دینی دارد. لازم است امت اسلامی و به‌طور کلی مسلمانان از ارزش‌های اسلامی در حوزه سبک زندگی آگاه

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۳ در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی



باشند. از طرفی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در سخنرانی‌هایی چند به این مهم تأکید فرموده‌اند نهاد وقف نیز می‌تواند با ایجاد پشتوانه‌هایی در این خصوص نقش‌آفرینی کند. ایشان در فرازی ضمن معرفی سبک زندگی به‌عنوان بخش اصلی و اساسی از تمدن نوین اسلامی بر پرهیز از تقلید در این زمینه اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «به‌شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است»^۱

ایشان فرهنگ غرب را یک فرهنگ مهاجم معرفی می‌کنند فرهنگی که نابودکننده فرهنگ‌هاست. «هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت‌زدایی می‌کند؛ هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. فرهنگ غربی، ذهن‌ها را، فکرها را مادی می‌کند، مادی پرورش می‌دهد؛ هدف زندگی می‌شود پول و ثروت؛ آرمان‌های بلند، آرمان‌های معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زدوده می‌شود. خصوصیت فرهنگ غربی این است»^۲ همچنین اهمیت سبک زندگی را تا جایی می‌دانند که نشان از حرکت ما به کدام سمت دارد «آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت‌تأثیر قرارگرفتن نسبت به یافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت می‌کنیم؟ این خیلی مسئله مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد می‌کشاند»^۳

۲-۱-۵. کارکرد نهاد وقف در تحکیم بنیاد خانواده

اهمیت تشکیل و تحکیم نهاد خانواده همواره در اسلام مورد تأکید بوده است و نیاز است که نهاد وقف با ایجاد پشتوانه‌هایی همچون ایجاد بستر ازدواج آسان یا تأمین مسکن برای زوج‌ها در این خصوص نقش‌آفرینی کند. رهبری نیز در فرازی ازجمله بخش‌های حقیقی برای ایجاد تمدن اسلامی را ازدواج می‌دانند، ایشان می‌فرمایند: «اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک

۱. همان

۲. همان

۳. بیانات رهبری در ۳۱/۵/۱۳۹۵ در دیدار ائمه جماعات استان تهران

زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن^۱ همچنین خانواده، طلاق، فرزندآوری، میزان و حد فرزندآوری در دیدگاه‌های رهبری از جایگاه بالایی برخوردار هستند و آنها را جزء مسائل اساسی معرفی می‌کنند^۲

تقویت روحیه ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی و اسراف، کمک‌کردن به ایجاد اقتصاد خانواده‌ها با ایجاد شغل پایدار و ترویج و تشویق فرزندآوری که یکی از دغدغه‌های اصلی نظریه‌پردازان تمدن نوین اسلامی برای آینده جامعه اسلامی به شمار می‌رود از جمله مواردی است که می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از نهاد وقف و بهره‌گیری از تجربیات واقفان حال و گذشته به آن دست‌یافت.

۲-۱-۶. کارکرد نهاد وقف در خودباوری جمعی

احساس هویت و خودباوری، به معنی اتکای به ارزش‌های اصیل الهی و ارزش‌های خودی است. اگر بخواهیم در مقابل جامعه آرمانی که تمدن مادی پیش روی بشر قرار داده است، افقی جدید بگشاییم باید خودباور باشیم. اعتماد و اتکا به نفس در عرصه تلاش علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترسیم‌کننده خط و جهت اصلی تمدن نوین اسلامی است. رهبری در فرازی بدترین مشکل یک کشور را فراموش کردن هویت خود می‌دانند و تأکید بر خودباوری در حرکت به سمت ایجاد تمدن نوین اسلامی دارند و در ادامه می‌فرمایند: «ما باید امروز در صدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشته این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی‌ها آن‌قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربی‌ها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می‌بینید که در دل‌ها یک حالت ناباوری به وجود می‌آید: مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله؛ من عرض می‌کنم می‌شود. شما همت کنید پنجاه سال دیگر این‌طوری شود»^۳

یکی از پیامدهای تمدن نوین اسلامی خودباوری مسلمانان به برخورداری از نقش فعال و سازنده در شکوفایی علوم و فنون بشری در طول تاریخ است. تمدن نوین اسلامی خواستار بازگرداندن اعتماد به نفس امت اسلامی با یادآوری پیشینه مشارکت مسلمانان در عرصه‌های علوم بشری است تا با تکیه بر استقلال فکری و فرهنگی مجدداً قدرت و

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی

۲. همان

۳. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳ در دیدار جمعی از نخبگان علمی



عظمت خود را بازبند و عمق پیام اسلام را که با علم‌آموزی عجین است به جهانیان نشان دهند. این رویکرد نوعی خودباوری در مسلمانان ایجاد می‌کند و موجب بازتولید سرمایه اجتماعی آنان می‌شود. تقویت آگاهی مسلمانان از ظرفیت‌های بومی، اعطای خودباوری فرهنگی و استقلال اندیشه‌ای، ترویج فرهنگ و تفکر استدلالی، از بین بردن خودباختگی در حوزه فکر و اندیشه، اهتمام به ایجاد هویت مستقل ایجابی، تقویت توان تعاملی و تبادلی دنیای اسلام، استقلال فکری و فرهنگی و اندیشه‌ای، دگرگونی سازنده در بینش و نگرش مسلمانان و تکیه بر فرهنگ خودی و باورهای دینی و عقیدتی در زمره کارکردهای تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود. تکیه مسلمانان به ظرفیت‌های درون‌زا و اهتمام به استقلال مداری جهان اسلام موجب پیشرفت مسلمانان بر اساس شعار «ما می‌توانیم» و ایجاد فرهنگ تولید علم ارتقای قدرت علمی در چهارچوب ارزش‌های دین‌مدار، ارتقای قدرت علمی و جرئت علمی، پرورش و شکوفایی استعدادها، نفی الگوپذیری تقلیدی از غرب، ایجاد تحولات و پیشرفت‌های علمی در چارچوب ارزش‌های دین‌مدار، ارتقای روحیه خودباوری و اتکا به نفس و اندیشه خودی، استفاده از ظرفیت‌های علمی بومی و... موجب پیشرفت درون‌زا و دانش‌بنیان می‌شود.

خودباوری مسلمانان و وحدت درون تمدنی آنان می‌تواند بر اساس احساس تهدید مشترک از سوی قدرت‌های استعماری و صهیونیسم بین‌الملل علیه مسلمانان شکل بگیرد.

۱-۶-۲. انعطاف‌پذیری

در اسلام فرد عاقل و عادل و حرکت‌کننده در صراط مستقیم فرد و جامعه‌ای است که هر چیزی را جای خودش قرار دهد و امور را بر اساس، اصل اعتدال تنظیم کند. اعتدال‌گرایی به معنای پرهیز از افراط و تفریط هموارکننده راه و مسیر ایجاد تمدن است. در تعالیم اسلامی به‌ویژه مکتب شیعه انعطاف‌پذیری قابل‌توجه است، آنجا که در جهت حفظ حیات دین و دین‌داران جامعه، احکامی چون تقیه، احکام ثانویه، حکم جهاد و.. صادر شد. به بیان مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی دارای انعطاف‌پذیری «در سازوکارها، خطوط و شکل حرکت است و تغییر در سیاست‌ها و نظام‌ها و تدابیر می‌تواند مانع از تحجر بشود و با تکیه بر آرمان‌های همیشه جوان و نو، نظام اسلامی را همیشه جوان، شاداب، بالنده و پیش‌رونده نگه دارد»^۱

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳/۹/۱۳۹۰ در دیدار با فرماندهان سپاه

لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی پرهیز از تمدن‌های غربی است، تقلید کورکورانه و تناسب نداشتن فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ اسلامی موجب ازهم‌گسیختگی اجتماعی می‌شود. تهاجم فرهنگی یکی از مظاهر تلاش برای تحمیل سبک و سلوک زندگی غربی به سایر ملت‌ها است. فرهنگ و تمدن غربی که با تکیه بر ابزارها و امکاناتی که در قرون اخیر به آن دست‌یافته است در تلاش است که بتواند سیطره فرهنگی خود را بر تمام جوامع بشری افکند. تمدن غربی در تلاش است فرهنگ مادی صرف که همه چیز را در مادیات و منافع دنیوی می‌بیند در تمام جوامع تبدیل به فرهنگ غالب نموده و راه را بر هر نوع اندیشه‌ای ببندد.

شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود.^۱ ایشان در مورد نتایج تقلید از غرب می‌فرمایند: «تقلید از غرب برای کشورهای که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که به‌ظاهر به صنعتی و اختراعی و اما مقلد بودن ثروتی هم رسیدند، علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند»^۲.

قابل آنچه، تمدن غرب باوجود تمام پیشرفت‌های خود نتوانست به آن دست یابد عدم اعطای آرامش معنوی و روحی به انسان به‌واسطه عدم توجه به جنبه‌های حقیقی تمدن و رعایت اصول و مبانی الهی در سبک زندگی انسان و دوری از اخلاق و معنویات است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه پرهیز کامل از تقلید از سبک و سلوک زندگی در تمدن غربی خاطرنشان می‌کنند: ما البته بنای غرب‌ستیزی نداریم؛ اما بر اساس بررسی و تحقیق تأکید می‌کنیم که تقلید از غرب، هیچ ملتی را به‌جایی نمی‌رساند. پوسته فرهنگی غربی پیشرفت ظاهری است؛ اما باطن آن «سبک زندگی مادی شوت آلود گناه آفرین هویت‌زدایی معنویت است»^۳ ایشان، با اشاره به تقلید از فرهنگ غربی در برخی از مظاهر زندگی در کشور بیان می‌کنند: باید با فرهنگ‌سازی لازم، یک حرکت تدریجی در

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ در دیدار جوانان استان خراسان شمالی

۲. همان

۳. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۲ بیانات در اجتماع مردم اسفراین



زمینه اصلاح این مسئله ایجاد شود. ایشان تأکید می‌کنند: انقلاب اسلامی دارای توانایی، ظرفیت و انرژی مترامی است که می‌تواند همه موانع را از سر راه بردارد و تمدن «ممتاز، متعالی، برجسته و باشکوه» اسلامی را در مقابل چشم همه جهانیان را برپا سازد.

۳-۶-۲. خودباوری و کرامت انسانی

تأکید اسلام بر حفظ کرامت انسان است. یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی است که نیل به این هدف تنها در عمل همه‌جانبه به تعالیم اسلام و قرآن ممکن است.

ارزش کرامت در میان شبکه وسیع و به هم پیوسته ارزش‌های انسانی و الهی از موقعیتی ویژه برخوردار است. از آنجایی که انسان پرتوی از عالم غیب و ملکوت است ریشه احساسات اخلاقی از همین ناحیه پیدا می‌شود. احساس کرامت در خود واقعی بنا شده است. تقویت بنیان کرامت از دو جهت می‌تواند در آفرینش تمدن نوین اسلامی مفید باشد، نخست اینکه در فرایند تمدن‌سازی گاهی متغیرهای مزاحم و اخلاص‌گر که هدفی جز تحقیر و بی‌هویت کردن جامعه پیشرو را ندارند، قد علم می‌کنند. در برابر این متغیرها که عمده آنها از سوی مهاجمان طراحی می‌شوند، تنها با توسل به عامل ارزشی کرامت می‌توان ایستادگی و مقاومت نمود. بدیهی است، جامعه کریم هیچ‌گاه تن به انواع زبونی‌ها اعم از علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نمی‌دهد و ناامیدی و وابستگی را برنمی‌تابد. از طرف دیگر، با تقویت کرامت، هسته اصلی فرهنگ یعنی نظام ارزش‌ها، استحکام درونی پیدا می‌کند و نمود بیرونی یعنی عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها، روبه‌بهبود و ثبات می‌رود. به تدریج، با استمرار رفتارهای ارزش مدار، فضای مولد و رشدآور بر جامعه حکم‌فرما می‌شود. دشمن به‌خوبی می‌داند ملتی که احساس حقارت کرده و به‌جای محور دیدن ارزش‌های خویش، ارزش‌های دیگران در نگاه او جلوه نمود، به تدریج هویت و کرامت آن ملت و امت از کف خواهد رفت (ملاشاهی، ۱۳۹۴: ۲۶۲).

خودباوری و عزت‌نفس داشتن ملتی باعث پیشرفت و الگو شدن آن جامعه می‌شود همچنان که رهبری در مورد کشور ایران و حرمت به سمت ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌فرماید: «ملت ایران این استعداد را دارد که آن‌قدر پیشرفت کند که بتواند در جهات گوناگون به‌عنوان یک الگویی در دنیا خودش را نشان دهد. چرا ما به خودمان بدبین باشیم؟ چرا با نظر تحقیر به خودمان و ملت خودمان و آینده خودمان نگاه کنیم؟ دشمن می‌خواهد این را به ملت ما تلقین کند و در طول سال‌های متمادی تلقین کرده است.

این جور باوراندند که حتماً عنصر غربی پیشرو است و باید دنبال او حرکت کرد؛ نه، یک روزی تاریخ ما به ما نشان می‌دهد که قضیه به‌عکس بوده است. ما در دنیا پیشرو بودیم؛ پیشرو در علم بودیم، پیشرو در صنعت بودیم، پیشرو در تمدن‌سازی بودیم، پیشرو در فرهنگ بودیم؛ دیگران از ما یاد می‌گرفتند، می‌آموختند؛ چرا امروز همان‌طور نشود؟ همت جوانان ما و نگاه آنها به مقوله پیشرفت باید آن‌جور باشد که ما آن آینده را در نظر بگیریم»^۱



نتیجه‌گیری

شکل‌گیری و گسترش تمدن نوین اسلامی، برای جوامع اسلامی امری حتمی و اجتناب ناپذیر است. از همین روست که در دهه‌های اخیر برخی از اندیشمندان اسلامی بر ضرورت نگرستن علمی به تمدن نوین اسلامی اهتمام داشته‌اند.

رهبری معظم انقلاب اسلامی نیز به عنوان یکی از متفکران این عرصه بیش از سه دهه است که در زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش تمدن نوین اسلامی بیاناتی داشته‌اند. بررسی اجمالی بیانات ایشان نشان می‌دهد که راه برون رفت جوامع اسلامی از مشکلات فعلی، زمینه‌سازی تشکیل تمدن نوین اسلامی است که مؤلفه‌ها و شاخصه‌های خاص خود را داراست.

نهاد وقف به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تمدن‌ساز می‌تواند در راستای اجاد و گسترش این تمدن کارآمد باشد. وقف برای قرآن، وقف برای فرهنگ‌سازی، وقف برای ترویج روحیه جهاد و ایثارگری، وقف برای ایجاد سبک زندگی اسلامی و... از مؤلفه‌هایی است که می‌توان به صورت علمی و متمرکز به آن پرداخت.

کتابنامه

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۲). *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.
- احمدی، زهت (۱۳۸۴). «تشیع و تصوف در عصر صفوی». *مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، شماره چهل، بهار ۱۳۸۴
- ایزدی، حسین (۱۳۷۹). «جغرافیای تاریخی شهر کوفه»، *مجله تاریخ اسلام*، سال اول شماره چهارم. زمستان ۱۳۷۹
- قائدان، اصغر (۱۳۸۴). *تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره*، تهران: مشعر.
- کسایی، نورالله (۱۳۷۴). *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی اجتماعی آن*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- محمدی، علی (۱۳۹۶). «نقش وقف در ایجاد و احیاء تمدن نوین اسلامی»، *فصلنامه وقف میراث جاویدان*؛ شماره ۹۸-۹۷ بهار و تابستان ۱۳۹۶.
- نوری، حسین (۱۳۷۵). *جهاد*، ج ۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سخنرانی‌ها:
- بیانات رهبری در ۱۳۷۹/۷/۱۷ در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه
- بیانات رهبری در ۱۳۹۰/۳/۲۵ در دیدار جمعی از شعرای آئینی
- بیانات رهبری در ۱۳۹۵/۵/۳۱ در دیدار ائمه جماعات استان تهران
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ در دیدار جمعی از مداحان
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۱۳ در دیدار با فرماندهان سپاه
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ خطبه‌های نماز جمعه تهران، ترجمه خطبه عربی
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴ در دیدار با اساتید، فضلا، طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۲ بیانات در اجتماع مردم اسفراین
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۲۷ در دیدار با جمعی از موکب داران عراقی
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۹ در دیدار فرماندهان سپاه
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۳ در سخنرانی نیروهای حاضر در مانور طریق‌القدس
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۳ در دیدار جمعی از نخبگان علمی
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۶ دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت



- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۹ در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی
- بیانات رهبری در دیدار با ائمه جماعات مساجد تهران در تاریخ ۱۳۹۵/۰۵/۳۱
- بیانات رهبری در دیدار با جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه بیانات رهبری در ۱۶/۱۱/۱۳۸۱ پاسخ به نامه
- بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۳ در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی
- بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران حج بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۱۲